

با کودکان طلاق چگونه رفتار شود؟

بسیاری از والدین نگران تاثیرات منفی طلاق بر روح و روان کودکانشان هستند و برخی از آنها به همین دلیل از طلاق صرف نظر می‌کنند. والدین باید تاثیرات طلاق بر کودکان را شناسایی کرده و آن را کاهش دهند.



*ثریا عزیزپناه: بسیاری از والدین نگران تاثیرات منفی طلاق بر روح و روان کودکانشان هستند و برخی از آنها به همین دلیل از طلاق صرف نظر می‌کنند. والدین باید تاثیرات طلاق بر کودکان را شناسایی کرده و آن را کاهش دهند. تنش میان والدین باید دور از چشم کودکان باشد، اما امروزه این اقدام به دلیل آپارتمان نشینی به شکل کامل امکانپذیر نیست.

به گزارش سلامت نیوز، آرمان نوشت: در شرایط کنونی والدین باید میزان مشاجره یا درگیری را حتی‍ الامکان کاهش دهند. در این وضعیت کودک نباید در روند حل مساله بین والدین قرار گیرد. در اصل وجود مساله یا درگیری در بین والدین نباید زندگی کودک از لحاظ روحی، روانی و جسمی را تحت تاثیر قرار دهد. کودکان در سنین پایین از وجود تنش در بین والدینشان مطلع می‍ شوند. در اغلب موارد نگرش بزرگسالان و والدین نسبت به درک کودکان از شرایط موجود صحیح نیست، چون والدین بر این باورند که کودکان متوجه شرایط زیستی‍ شان نمی‍ شوند و به سهولت در مقابل کودکان مشاجره یا پرخاشگری می‍ کنند.

کودک رفتار والدین را الگو می‍ کند

والدین باید بدانند نحوه تعاملاتشان به مرور زمان رفتار کودکان را شکل می‍ دهد. با این تفاسیر اگر کودک در خانواده شاهد مشاجرات و خشونت ورزی والدین نسبت به یکدیگر باشد، طبیعتا این گونه رفتارها در نهاد آنها شکل می‍ گیرد. در اغلب موارد این کودکان خواسته‍ هایشان را به دیگران تحمیل می‍ کنند. بنابراین در برخی مواقع والدین بدون اطلاع از تبعات رفتارشان کودکان را در معرض آموزش‍ های نامناسب و غیراصولی قرار می‍ دهند. برای مثال کودکان در خانواده‍ هایی که والدین با یکدیگر مشاجره می‍ کنند، طبیعتا در دستیابی به خواسته‍ هایشان از اعمال رفتارهای خشونت آمیز استفاده می‍ کنند.

وجود مشاجره در بین زوج‍ ها طبیعی است

امروزه در فضای شهرنشینی شاهد رفتارهای متعدد و انتقال آن به کودکان هستیم. برای مثال مشاجره یکی از مسائل انکار‍ ناپذیر در زندگی انسان‍ ها به ویژه زوج‍ هاست. در این شرایط توصیه می‍ شود که زوج‍ ها حتی‍ الامکان از اعمال خشونت‍ های کلامی، غیرکلامی و فیزیکی در مقابل کودکان خودداری کنند. این در حالی است که اگر والدین بر اهمیت دوران کودکی آشنا باشد و بدانند هرگونه رفتار در آینده و نگرش فرزندشان تاثیرگذار است به نسبت رفتارشان را اصلاح می‍ کنند. والدین می‍ توانند با اعمال رفتارهای مناسب در کنترل خشم و ارائه راه حل‍ های مناسب مهارت حل مساله را بیاموزند و به این شکل تنش‍ ها را در محیط خانواده به حداقل برسانند. اگر کودک در مواقع مشاجره والدین از خود واکنشی نشان نمی‍ دهد به این معنا نیست که او متوجه درگیری نمی‍ شود، بلکه کودک متوجه مشاجره و درگیری والدینش شده و از این موضوع مضطرب است. در اغلب موارد بزرگ‍ ترها و والدین بعد از مشاجره می‍ توانند با یکدیگر زندگی کنند و حتی چنین مسائلی را فراموش می‍ کنند، اما این گونه رفتارها برای کودکان با ایجاد ناامنی همراه است. در این وضعیت کودکان از لحاظ جسمی، روحی و روانی درگیر اختلال فکری می‍ شوند. باید دانست که آموزش این گونه رفتارها مخرب‍ ترین تاثیر‍ ها را دارد. همچنین مخرب‍ ترین تاثیر طلاق بر کودکان زمانی است که والدین در حضور آنها به تحقیر یکدیگر می‍ پردازند. در این مواقع کودکان احساس می‍ کنند که باید جانب یکی از والدین را گرفته و این کار برای آنها دشوار است. از سوی دیگر کودکان تصور می‍ کنند اگر از هیچ‍ کدام از والدین پشتیبانی نکنند از سوی هر دو رانده می‍ شوند. کودکان در واقع در شرایط بغرنجی قرار می‍ گیرند.

با کودکان طلاق چگونه رفتار شود؟

یکی از کارکردهای مناسب خانواده ادامه نسل است. باید ساختار و کارکرد خانواده با فرزند پروری مثبت همراه باشد. امید است در خانواده‌ها کودکان تحت تربیت مناسب قرار گیرند. در واقع پرورش و رشد همه جانبه کودک در خانواده با وجود پدر و مادر در کنار یکدیگر تعریف شده است. اگر به دلیل طلاق یکی از والدین از چارچوب زندگی حذف شود به نسبت تعادل رشد و تربیت کودک از بین می‌رود. بنابراین برای کودکان طلاق، فقدان پدر یا مادر برجسته می‌شود. در این شرایط بخشی از آموزش و تربیت کودک به دلیل نبود یکی از والدین ناقص می‌ماند، چون هر یک از والدین باید نقش قابل توجهی را در زندگی کودک ایفا کنند. در برخی مواقع نیز شاهد گروکشی والدین از طریق کودکان یا متهم کردن طرف مقابل به سوء رفتار با فرزندشان هستیم. در اکثر موارد برای زندگی مناسب کودکان جدایی والدین پیشنهاد نمی‌شود؛ مگر اینکه برای والدین و کودکان ادامه زندگی وضعیت بحرانی ایجاد کند و این امر تاثیر مخرب مضاعف بر آنها داشته باشد.

اگر بزرگسالان به اهمیت نقششان در زندگی کودکان آگاه باشند، بی‌شک به سهولت طلاق را انتخاب نمی‌کنند. والدین باید بدانند که طلاق به نحوی جدایی از کودک محسوب می‌شود. این در حالی است که کودک باید در یک فضای ایمن و زیر چتر حمایتی پدر و مادر دوران کودکی را بگذراند. در اصل نبود آگاهی در والدین در مورد نیازهای دوران کودکی و الزامات آن باعث بروز یک بینش تحت عنوان «سهولت در طلاق» می‌شود. با این همه، خلأهای آموزش در بین بزرگسالان باعث تصمیم‌گیری‌های مخرب شده است. والدین قبل از هرگونه تصمیم‌گیری درباره زندگی باید به شکل آگاه تبعات آن را مورد بررسی قرار دهند. در خانواده‌های ایرانی مساله اختلافات زناشویی با طلاق به پایان نمی‌رسد، بلکه به دلیل تدوین قوانین متعدد متناسب با ملزومات زندگی کودک، بعد از طلاق والدین باید به یکدیگر رجوع داشته باشند. این امر می‌تواند مناقشه برانگیز باشد. در برخی خانواده‌های ایرانی درگیری و ایجاد فضای ناامن حتی بعد از طلاق نیز ادامه دارد. پس با این تفاسیر طلاق نقطه پایان یک زندگی نیست. در برخی خانواده‌ها، والدین بعد از طلاق کودک را ترک می‌کنند.

در این وضعیت کودک با آینده نامعلوم مواجه می‌شود. برخی دیگر از خانواده‌ها نیز کودکشان را به مادر بزرگ یا یکی از اقوام می‌سپارند. هر یک از این شرایط برای کودک تبعات مخرب فراوانی را به همراه دارد. والدین قبل از تصمیم به جدایی باید به این مسائل توجه کنند، چون هرگونه آگاهی و تصمیم‌گیری در این زمینه به بینش افراد مربوط می‌شود؛ اینکه افراد در دوران تحصیل و جامعه پذیری تحت چه آموزش‌هایی قرار گرفته‌اند. این در حالی است که با بررسی آمارهای رسمی کشور درباره نرخ طلاق باید گفت که بسیاری از افراد در جامعه ما نسبت به کسب چنین مهارت‌هایی نمره منفی کسب می‌کنند. در کشور افزایش میزان طلاق با تبعات و نارسایی‌های فراوان همراه است. بی‌شک تاثیر چنین تصمیم‌گیری‌هایی بدون آینده نگری می‌تواند برای زوج‌ها، فرزندان‌شان و جامعه مشکل‌زا باشد.

* پژوهشگر مسائل اجتماعی